



تعداد صفحات
۶



آخرین بروزرسانی
۲۷ آبان ۱۴۰۳

جزوه

توصیه های رهبر انقلاب اسلامی
به سفرا و رؤسای نمایندگی های
سیاسی ایران در خارج از کشور

مورخ: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰

❖ توصیه های رهبر انقلاب اسلامی به سفرا و رؤسای نمایندگی های سیاسی ایران

در خارج از کشور مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۰

توصیه های رهبر انقلاب اسلامی به سفرا و رؤسای نمایندگی های سیاسی ایران در خارج از کشور
رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با سفرا و رؤسای نمایندگی های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در سال
۱۳۹۰ توصیه هایی داشتند. این توصیه ها که درباره فعالیت دستگاه دیپلماسی کشور بود، در جدولی مرور شده است:

ردیف	موضوع	عنوان
۱	توجه به معنویت در دیپلماسی	رابطه خود با خدا را در درون مجموعه سفارت و خانواده تان تقویت کنید
۲		انس با معارف اسلامی، دعا و قرآن در سفارتخانه ها لازم است
۳		با انس با صحیفه سجادیه و دعای پنجم آن استحکام درونی خود را تقویت کنید
۴		با توکل، ذکر و توجه به خدا از خانواده بزرگ دیپلماسی و خانواده شخصی تان در مقابل رخنه ها مراقبت کنید
۵		برای قوی شدن در مبارزه دیپلماسی باید ارتباط خود را با خدا تقویت کنید
۶	توجه به مهارت های دیپلماسی	برای عبور از چالش های غیرمتعارف دیپلماسی به قوت قلبی نیاز دارید که با توکل و اعتماد به قدرت الهی بدست می آید
۷		حرکت ما در جبهه ی ظریف خطیر بسیار مؤثر دیپلماسی باید براساس توجه به آرمان ها و حسن ظن به وعده های الهی باشد
۸		هرچه پایبندی ارزشی ما در دیپلماسی بیشتر باشد هیبت و احترام جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد
۹		ایستادگی بر روی مبنا و تحلیل خودتان از حوادث و ترسیم آینده، شما را در چشم طرف مقابلتان تقویت میکند
۱۰		پیروزی در مذاکره و گرفتن استدلال از طرف مقابل و تحمیل استدلال خود، مهمترین پایه ی پیروزی ها در صحنه ی عمل است
۱۱		با هوشمندی، ظرافت، استحکام عقلانی و اعتماد به نفس مبانی فکری خودتان را در مذاکره غلبه دهید
۱۲		پیشرفت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سایبری با هدف تبیین حرف نوی نظام انجام بگیرد
۱۳		از این تصور غلط بپرهیزید که با پایبندی به مبانی ارزشی در دیپلماسی عقب می مانیم
۱۴		با حفظ ارزشها، و پافشاری بر آن، در عرصه ی دیپلماسی برای حاکم کردن منطق تلاش کنید و طرف مقابل را به مواضع خود نزدیک کنید
۱۵		حکمت این است که بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید
۱۶	پایبندی به اصل عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی	حکمت و عزت و مصلحت مکمل همدند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند
۱۷		در دیپلماسی تسلیم، انسلام، انظلام، نه در مرحله ی باورهای قلبی و نه در مرحله ی عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد؛ این با حکمت امکان پذیر است

رابطه خود با خدا را در درون مجموعه سفارت و خانواده‌تان تقویت کنید

یک جمله عرض کنیم در زمینه‌ی توجه به عنصر معنوی در این فعالیتها. در همه‌ی تلاشهای ما، آن چیزی که به تلاش ما برکت میدهد و اراده و عزم ما را راسخ میکند، توکل و توجه به خدای متعال و اخلاص است. در همه‌ی زمینه‌ها این لازم است. شما که در خارج از کشور زندگی میکنید، خودتان، خانواده‌هاتان، فرزندانان به این عنصر احتیاج زیادی دارید. خب، خدا را شکر میکنیم؛ وزارت امور خارجه از لحاظ عناصر مؤمن و دارای روحیه‌ی انقلابی، جزو وزارتخانه‌های خوب و غنی ماست؛ در این هیچ تردیدی نیست. بنده هم با فعالیتهای برادران آشنا هستم؛ تلاشهایی که میکنند، مجاهدتهایی که میکنند. هرچه توجه به خدای متعال بیشتر باشد، اخلاص انسان بیشتر باشد، توکل ما به خدا بیشتر باشد، کار بهتر پیش خواهد رفت. خطاست اگر تصور کنیم بدون تکیه‌ی به قدرت الهی، بدون استمداد از قدرت الهی، خواهیم توانست قدمی از قدم برداریم. کار بابرکت، آن کاری است که همراه باشد با روحیه‌ی اخلاص و توان‌طلبی و استغاثه‌ی به پروردگار. رابطه را با خدا باید قوی کرد. شما دوستان و برادران عزیز، بخصوص در درون مجموعه‌ی خودتان به این نکته توجه مضاعف کنید. در درون مجموعه، یعنی هم خانواده‌ی بزرگ سفارت و عناصر مرتبط با دستگاه دیپلماسی شما - در هر کشوری که مستقر هستید - هم در رابطه‌ی با خانواده‌ی کوچک، یعنی همسران و فرزندان، ارتباط را با خدای متعال قوی کنید.

من اطلاع دارم که در سفارتخانه‌های ما مراسم مذهبی گرفته میشود؛ در ماه محرم، در ماه رمضان، حتی روضه‌خوانی میشود، بعضی جاها سینه‌زنی میشود؛ اینها خوب است، اینها مظاهر و ظواهری است که چیزهایی را برای ما تأمین میکند؛ اما بیش از این لازم است: انس با معارف اسلامی لازم است، انس با دعا لازم است، انس با قرآن لازم است.

برای عبور از چالش‌های غیرمتعارف دیپلماسی به قوت قلبی نیاز دارید که با توکل و اعتماد به قدرت الهی بدست می‌آید

حکومت استکباری در دنیا بدون دخالت در کشورها، بدون تجاوز به حقوق ملتها، بدون تعرض به منافع ملتها که نمیتواند سر پای خود بایستد؛ چون این پایه‌ها با اسلام، با نام اسلام، با شعار اسلام، با هویت اسلامی در تضاد طبیعی است؛ لذا هر جایی که نامی از اسلام آورده میشود، اینها نگران میشوند.

خب، حالا شما یک نظامی دارید، دولتی دارید، مجموعه‌ی کشوری دارید که اساساً به نام اسلام ساخته شده، با نام اسلام رشد پیدا کرده، روزبه‌روز شعارهای اسلامی در آن برجسته‌تر شده، پیشرفت زیر سایه‌ی این شعارها انجام گرفته. امروز ما در صنعت هسته‌ای‌مان، یا در صنعت نانو، یا در این صنایع حساس پیشرفته‌ی مدرن، وقتی با مدیران و سردمداران اینها مواجه میشویم، افتخار میکنند به این که ما بسیجی هستیم و بسیجی عمل میکنیم. نظام جمهوری اسلامی یک چنین نظامی است. بنابراین طبیعی است که شما یک چالش فوق‌العاده‌ای دارید؛ چالشی فراتر از چالشهای متعارف دیپلماسی که در عرصه‌ی دیپلماسی معمول است و همه جا هست. این موضع، احتیاج دارد به قوت قلبی، به عزم راسخی که جز با توکل به خدای متعال و اعتماد به قدرت الهی به دست نمی‌آید.

به خدای متعال باید حسن ظن داشته باشیم. خداوند متعال ملامت میکند آن کسانی را که به او حسن ظن ندارند؛ سوءظن به خدا دارند. سوءظن به خدا چیست؟ سوءظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: «و لینصرنَّ الله من ینصره»، خلاف واقع است؛ یا این که فرموده است: «الَّذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا»، وعدهی تخلف‌پذیری است. آن وقت خدای متعال در سورهی فتح میفرماید: «و یعدّب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّائین بالله ظنّ السوء»؛ خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوءظن دارند. بعد میفرماید: «علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و ساءت مصیرا». نباید به خدا سوءظن داشت

با انس با صحیفه سجادیه و دعای پنجم آن استحکام درونی خود را تقویت کنید

من به شما عزیزان توصیه می‌کنم که با صحیفه‌ی سجادیه انس بگیرید، دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه را مکرر در مکرر بخوانید. این دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه مال ماست. همه‌ی ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه همین طور است. آنجائی که ما را به یاد مرگ می‌اندازد، آنجائی که ما را از لغزشها برحذر میدارد، آنجائی که عظمت معنویت دستگاه الهی را، از پیغمبر و یاران و ملائکه‌ی الهی را به رخ ما میکشد، اینها همه‌اش برای ما استحکام‌بخش است. در هر میدانی، استحکام درونی برای ما تعیین کننده است. اگر ساخت درونی - چه درون شخصی خود ما، درون روحی و فکری خود ما، چه درون کلیت جامعه‌ی ما - ساخت مستحکمی بود، هیچ چیز نمیتواند در مقابلش بایستد. این، مهمترین و اولین توصیه‌ی من به شماست.

با توکل، ذکر و توجه به خدا از خانواده بزرگ دیپلماسی و خانواده شخصی‌تان در مقابل رخنه‌ها مراقبت کنید

دستگاه دیپلماسی مهم است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی مبارزه است؛ در این مبارزه باید قوی باشید. اگر میخواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان. خانواده را مهم بشمرید؛ چه خانواده‌ی بزرگ دیپلماسی، چه خانواده‌ی شخصی خودتان. گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، ما را تغییر میدهد. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر با ما بود، از ما اهل‌بیت بود. واقعاً هم همین جور بود. میدانید بعد از رحلت پیغمبر، در مسجد، در پای منبر خلیفه‌ی اول - جناب ابوبکر - حدود ده نفر از صحابه بلند شدند و صریحاً از امیرالمؤمنین دفاع کردند؛ گفتند اینجائی که شما نشسته‌ای، حق علی‌بن‌ابی‌طالب است. یکی از آن ده نفر، زبیر بود! زبیر، رفیق دوران عشرت نبود؛ رفیق دوران محنت بود. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر همواره با ما بود، «حتّی شبّ ابنه عبدالله»؛ تا پسرش عبدالله بزرگ شد، آمد توی عرصه، در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرد؛ آن وقت او عوض شد. زبیر همانی شد که آمد در مقابل امیرالمؤمنین شمشیر کشید! گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، یک چنین اثر بسیار مهمی میگذارد. لذا باید جلوی این رخنه را گرفت؛ و این هم جز با توکل به خدای متعال، جز با ذکر، جز با توجه، امکان‌پذیر نیست.

حرکت ما در جبهه‌ی ظریفِ خطیرِ بسیار مؤثرِ دیپلماسی باید براساس توجه به آرمان‌ها و حسن ظن به وعده‌های الهی باشد

حرکت ما در جبهه‌ی ظریفِ خطیرِ بسیار مؤثرِ دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمانها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب میمانیم؛ ابداً. در این

دوره‌های مختلف، بوده‌اند کسانی در عرصه‌ی دولتی خودمان، در بخش‌هایی از دیپلماسی و غیر دیپلماسی و حتی در بخش‌هایی از روحانیت خودمان، که در این مسائل تردید پیدا کردند که حالا پابندی‌های ارزشی ما چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینه‌ی دیپلماسی موفق باشیم. نه، ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد.

یک دوره‌ای بعضی از مسئولین خیال میکردند که اگر چنانچه در ملاقات‌های بین‌المللی خودشان حرف‌های آنها را برایشان تکرار کنند، خوب است. و همین کار را هم میکردند؛ می‌نشستند همان حرف‌هایی را که آنها صد سال است دارند میزنند، برای آنها دوباره تکرار میکردند. این، شما را پیش او سبک میکند؛ این نشان میدهد که شما از خودتان هیچ چیزی ندارید؛ در حالی که وقتی شما خودتان حرف دارید، خودتان مبنا دارید، بر روی مبنای خودتان می‌ایستید، بر روی تحلیل خودتان از حوادث و ترسیم آینده می‌ایستید، و بعد با قدرت حوادث را مدیریت میکنید، این شما را در چشم طرف مقابلتان تقویت میکند؛ و تقویت در چشم طرف مقابل، یکی از ابزارها و راه‌های پیروزی است. این را توجه دارید که پیروزی بر سر میز مذاکره و استدلال طرف مقابل را از او گرفتن و استدلال خود را بر ذهن او تحمیل کردن، مهمترین پایه‌ی پیروزی‌ها در صحنه‌ی عمل است. یک مذاکره کننده‌ی قوی آن کسی است که میتواند مبنای فکری خودش را بر مبنای فکری طرف مقابل مذاکره کننده تغلیب کند، غلبه بدهد. البته این کار با های و هو نمیشود؛ این با هوشمندی، ظرافت، استحکام عقلانی و اعتماد به نفس امکان‌پذیر است؛ این هم با توکل به خدای متعال، با انس بیشتر با قرآن، با انس بیشتر با ادعیه به دست می‌آید.

حکمت این است که بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید

باید دیپلماسی را بر این اساس استوار کرد. جمهوری اسلامی حرف نوئی دارد؛ این حرف نو عبارت است از مردم و ارزش‌های الهی. این دو تا باید با هم توأم بشوند و حرکتها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ماست. ارزش‌های معنوی و ارزش‌های الهی، همراه با اراده‌ی مردم؛ نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است، که از خود کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» هم برمی‌آید. ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی هستیم. این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید، میتوانید حرکت کنید.

در زمینه‌ی همین محورهایی که گفتند - دیپلماسی عمومی، دیپلماسی سایبری - تلاش و فعالیت با این نگاه و با این هدف صورت گیرد؛ و بدانید که پیش میرود. اینکه ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمیخورد. میتوان با حفظ همین ارزشها، با پای فشاری بر همین ارزشها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطق را حاکم کرد و طرفها را رفته رفته و بتدریج به مواضع خود نزدیک کرد. اینکه گفتیم «عزت، حکمت، مصلحت»، حکمت این است، حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ اینها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل همدند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه‌ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. یعنی تسلیم، انسلام، انظلام، نه در مرحله‌ی

باورهای قلبی و نه در مرحله‌ی عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد؛ این با حکمت امکان‌پذیر است. دعوا کردن و اوقات تلخی کردن و حرف تند زدن، یک وقتی ممکن است به درد بخورد؛ اما این روش عمومی نیست. روش عمومی، حکمت است. حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شدن. اگر چنانچه اینجوری پیش برویم، به توفیق الهی پیشرفت‌های ما هرگز متوقف نخواهد شد.

توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی به سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۰

